

## نقدی بر تحلیل گران سیلیمی ایران

نوشته ی دکتر عباس احمدی

گفتار امروز را با نقل قولی از یکی از فرماندهان باستانی ارتش چین به نام «سان تزو» (Sun Tzu) آغاز می کنم. این سرادر بزرگ چینی در مورد جنگ با دشمن گفته است:

آن کس که نه خودش را می شناسد و نه دشمن اش را،  
همیشه مغلوب است.

آن کس که تنها خودش را می شناسد، اما دشمنش را نمی شناسد،  
گاهی پیروز است و گاهی مغلوب.

آن کس که هم خودش را می شناسد و هم دشمن اش را،  
همیشه پیروز است.

در این گفته، نکته ی مهمی نهفته است که می توان با کمک آن، تحلیل گران سیاسی ایران را به سه گروه تقسیم کرد و آن ها را مورد ارزیابی قرار داد.

۱) دسته ی اول کسانی اند که نه مردم ایران را به درستی می شناسند و نه از قوت و ضعف رژیم حاکم ارزیابی درستی دارند. اینان همان کسانی اند که به قول «سان تزو» نه خودشان را می شناسند و نه دشمن شان را و همیشه مغلوب اند. از این گونه تحلیل گران هم در میان دستگاه حاکمه و هم در بین مخالفین رژیم، به وفور، دیده می شود. این دسته، بسته به این که متعلق به کدام جبهه باشند، خود به دو گروه تقسیم می شوند:

۱ الف) مخالفان خیال اندیش - این روشنفکران از یک طرف با خوش بینی مفرط و غیر واقعی، در مورد قدرت ملت و نقاط مثبت آن غلو می کنند و نیروهای مبارز را از آن چه که هست قوی تر و تواناتر نشان می دهند. از طرف دیگر، با یک نوع خیالی بافی رویایی، در مورد ضعف رژیم و نقاط منفی آن اغراق می کنند و نیروهای رژیم را از آن چه که هست ناتوان تر و ضعیف تر نمایش می دهند. علت اصلی این نوع نگرش، عشق مفرط به مردم و نفرت عمیق از رژیم حاکم است. به عنوان مثال، بنا بر تحلیل اینان، قرار بود روز ۱۸ تیر ماه سال جاری، نیروهای قدرتمند مردم، رژیم زیون و ناتوان جمهوری اسلامی را به زباله دانی تاریخ بیاندازند. اما، دیدیم که چنین نشد و پیش بینی آن ها غلط از آب در آمد.

این نوع تحلیل، بیشتر ریشه در خواست ها و آرزوهای تحلیل گران دارد و چندان متکی به داده های علمی و واقعیت های جامعه شناسی نیست. اگر این تحلیل گران در بین نیروهای ایوزیسیون لانه کنند، هر جنبشی را به شکست می کشانند. بسیاری از نهضت های ملی، بواسطه ی این گونه تحلیل های آبکی و غلو در نقاط مثبت ملت و اغراق در نقاط منفی رژیم، به سراشیب شکست کشانده شده است.

۱ ب) موافقان خیال اندیش - فرار از واقعیت و اتکا به خیالواره ها، مختص به تحلیل گران معارض و مخالف و منتقد نیست، بلکه در بین موافقان رژیم نیز، به وفور، دیده می شود. اگر این تحلیل گران در درون رژیم لانه کنند، آن رژیم را سر انجام به ورطه ی نابودی خواهند کشاند. رژیم شاه بیشتر به واسطه ی همین تحلیل گران دولتی به ورطه ی سقوط کشانده شد. آن قدر در باره ی ملت غیور و شاهدوست ایران داد سخن دادند و نیروهای مخالف را ناچیز گرفتند که شد آن چه شد و آن همه تحلیل های آبکی مثل حبابی در طوفان حوادث ترکیب و نابود گشت. رژیم جمهوری اسلامی نیز، به احتمال قریب به یقین، توسط همین تحلیل گران دولتی به سراشیب نابودی سوق داده خواهد شد. آن قدر در باره ی امت همیشه در صحنه و ملت شهید پرور غلو می کنند و دشمن را خوار و نزار می پندارند که تمام فرصت ها از دست برود و وقتی از خواب بیدار شوند که بسیار دیر شده باشد.

۲) به غیر از اینان، گروهی دیگر از روشنفکران ایرانی نیز وجود دارند که بنا به تقسیم بندی «سان تزو» جزء دسته ی دوم اند. یعنی تنها یکی از دو طرف ماجرا را می شناسند و درک درستی از آن طرف دیگر ندارند. یعنی یا تنها خودشان را می شناسند و شناخت درستی از دشمن شان ندارند. و یا تنها دشمن شان را می شناسند و درک درستی از خودشان ندارند. کار این ها نیز لنگ است و به خاطر درک ناقصی که از نقاط ضعف و قوت دو طرف ماجرا دارند، نمی توانند نقشه ی مناسبی برای پیروزی در میدان نبرد ترسیم کنند. علت اصلی پیدایش چنین گروهی مهاجرت اجباری و یا اختیاری گروه زیادی از نخبگان ایرانی از وطن و اقامت طولانی آن ها در کشورهای دیگر است، بیشتر اینان از دور دستی بر آتش دارند و با زیر و بم جامعه ی درون مرزی از نزدیک آشنا نیستند.

۳) روشنفکر واقعی کسی است که در تقسیم بندی «سان تزو» جزء دسته ی سوم باشد، یعنی هم خودش را خوب بشناسد و هم دشمن اش را. یعنی هم به نقاط قوت و ضعف ملت ایران آگاه باشد و از نقاط قوت و ضعف رژیم حاکم تصویر درستی داشته باشد. او نباید به خاطر خوشامد مردم، نقاط ضعف آن ها را مخفی کند و از ترس آن که وجهه ی خود را از دست بدهد چشم بر واقعیت ببندد. از طرف دیگر نباید اسیر جو و مفتون تبلیغات مخالفان شود و رژیم حاکم را دست کم بگیرد و به خاطر پیروی از مد روشنفکری، از نقاط قوت رژیم غافل بماند و نقاط ضعف حکومت را با بزرگ نمایی، بیش از آن چیزی که واقعا هست ارزیابی نماید.

در این جا به همین مقدمه ی کوتاه بسنده می کنم و در مقاله ی آینده، با آوردن نمونه های از هر سه نوع تحلیل، سعی خواهم کرد که این موضوع را بیشتر بشکافم. اما به عنوان یک تمرین به شما پیشنهاد می کنم که هر موقع مقاله ای می خوانید و یا به یک گفتار رادیویی گوش می دهید و یا به یک برنامه ی سیاسی تلویزیونی نگاه می کنید، از خودتان بپرسید که نویسنده ی مقاله و یا گوینده ی رادیو و یا مجری برنامه ی تلویزیونی در تقسیم بندی «سان تزو» در کدام گروه قرار گرفته است. اگر در این کار ممارست کنید، در خواهید یافت که اکثریت قریب به اتفاق

تحلیلگران سیاسی ایران چه در میان موافقان رژیم و چه در میان مخالفان آن، جزو دسته ی اول و دوم تقسیم بندی «سان تزو» می باشند و تعداد کسانی که جزو دسته ی سوم اند از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی کند.

\*\*\*

**Web:** <http://news.gooya.com/ahmadi.php>

**Email:** [abbas.ahmadi@mailcity.com](mailto:abbas.ahmadi@mailcity.com)

**File:** Tahlil\_garaan.vnf